

کلید حل مشکلات تکیه بر جوانان مؤمن است

صفحه ۲



ویژه‌نامه طنز راه‌راه
را در شماره امروز
بخوانید
صفحات ۱۱ و ۶

روایت دادستان کل کشور از نامه وزیر امور خارجه درباره پولشویی

ظریف: مستندی ندارم

حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری گفت: وزیر امور خارجه یک نامه ۱۲ صفحه‌ای را چند روز قبل برای بنده فرستادند که یکسری بیانات خودشان را در آنجا باز توضیح داده بودند، همچنین حاوی مسائل دیگری بود که خیلی مرتبط با آنچه ما خواستیم نبود و در آخر هم اشاره کردند دلیل و مستندی ندارم که بخواهم بفرستم. نامه ۱۲ صفحه‌ای آقای وزیر محترم امور خارجه



ادامه سر یال انتقاد رئیس جمهور از دولت خود: بانک مرکزی نمی‌گذاشت واردات طلا آزاد شود

کنایه روحانی به اقتصاددانان بانک مرکزی

فرمول‌هایی که در دانشگاه خوانده‌اید نیاز به تجدید نظر دارد
یک اقتصاددان بانک مرکزی در گفت‌وگو با «وطن امروز»: از آقای روحانی انتظار نداشتم چنین حرفی بزند؛ معلوم نیست چه کسی به ایشان مشاوره داده است



صفحه ۳

تیتراژ امروز

دستگاه‌های امنیتی مراقب اقدامات مشکوک سفیر آلمان در ایران هستند؟

دیپلمات ایرانی اسیر جاسوس آلمانی رها



صفحه ۵

پس از اما و اگرها درباره پاسخ وزارت اطلاعات به استعلام صلاحیت شهردار جدید تهران

وزیر کشور حکم حناچی را صادر کرد

صفحه ۴

یادداشت امروز

شروین طاهری: یاد نمی‌آید تا به حال نقدی بر یک تاتار خیابانی آن هم از نوع آماتوریش خوانده باشم اما فکر می‌کنم نمایش پانتومیم کوتاهی که شامگاه دوشنبه گذشته در خیابان «ایالات متحده آمریکا» در قلب پایتخت تونس روی صحنه رفت و به سرعت هم در جهان رسانه گل کرد، استحقاق نقدی جانانه دارد. این نمایش را نمی‌توان به هیچ عنوان دلقک‌بازی پیش پا افتاده یا صرفاً یک حرکت اعتراضی ساده به سفر ولیعهد شورو سعودی به تونس به حساب آورد.

در این نمایش کاراکتر بن‌سلمان در قامت یک دلقک به عنوان نماد شرارت بازنمایی شده که در یک دست صندوقچه چوبی کوچکی به عنوان نماد ثروت و در دست دیگر تصویری از دونالد ترامپ دارد. بدین ترتیب دو پشتوانه‌ای که به واسطه آنها در قدرت باقی مانده را به رخ می‌کشد. بعد در ادامه نمایش اعضای بدن قربانیانش را از کیفی که به همراه دارد خارج کرده و نشان می‌دهد. دلقک‌هایی با شکل و شمایل اروپایی و آمریکایی شخصیت اصلی را احاطه کرده و مجیزش را می‌گویند اما به تدریج جنون بن‌سلمان بالا می‌گیرد و او با شمشیر به جان دور و بری‌های خودش می‌افتد و در نهایت همان‌هایی که زیر دستش بودند بر او می‌شورند و در میان تشویق تماشاگران سرنگوش کرده و با همان شمشیر کثافی کارش را می‌سازند.

«حمزه نصری» بازیگر آماتور نقش ولیعهد سعودی پس از این اجرا گفته بود: «ما به اینجا آمدیم تا بگوییم مردم تونس که خودشان به جهان انقلاب صادر کرده و برای عدالت، کرامت و حقوق بشر مبارزه کرده‌اند، نمی‌توانند به جنایتکاری مثل بن‌سلمان خوشامد بگویند».

آن شب او و دیگر همراهانش، کم‌دی پانتومیم خود را در مقابل هلله و سوت و کف جماعتی خشمگین اجرا کردند که در اصل برای ابراز انزجار از شخصیت تبهکار بن‌سلمان گرد آمده بودند. این فضای سرشار از تناقض اما کاملاً الهام‌بخش را خلق کرد که فقط به خیابان آمریکا شهر تونس محدود نماند و بلافاصله به زبان حال جهان عرب و چه بسا جامعه جهانی بدل شد؛ به واگویی چند میلیارد آدم مثل خود ما که بیش از یک ماه هاج و واج پای سرمال جنایی «قتل جمال خاشقچی» نشسته اما دم نزنه بودند. این بار دست کم کسانی مثل «حمزه نصری» و اعضای اتحادیه روزنامه‌نگاران تونس حرف‌شان را زدن و زائری را پایه گذاشتند که «بن‌سلمان» را نماد و منشأ شر معرفی می‌کند. اینگونه تونسی‌ها بار دیگر افکار عمومی جهان عرب را نهیب بیداری زدند. آنها در انتخاب محل نمایش نیز هوشیارانه عمل کردند به طوری که همه به این استنباط رسیدند که شر «بن‌سلمان» قاعدتا

چرا سوز خاشقچی گریبان سعودی را در رسانه‌های جهان رها نمی‌کند؟

بختک ابدی بن‌سلمان

حق‌کشی‌های بی‌شماری که در طول تاریخ به ثبت رسیده، معدودی بر سر زبان‌ها افتاده و به عنوان نماد شرارت در میراث تمدن بشری به یادگار باقی مانده است. اگر ابلیس و ضحاک ماردوش، «هادس» الهه نیستی و هیولاهای اساطیری یونان باستان، ساحران و موجودات تارک و سوسا و خناس، خون‌اشامان و یاجوج و ماجوج در قامت کهن‌میراث‌داران مقام شر با نمادهای سینمایی و کارتون‌آموزی مثل جوکر، سالورون، هانیبال لکتر و فرعون مومیایی رقابت می‌کنند، تاریخ واقعی هم تلوهای شرارت نظیر هند جگر خوار، چنگیزخان و آتیلا، هیتلر، صدام، جفری دامر و داعشی‌ها را به ثبت رسانده است، به طوری که هر زمان یادآوری اعمال شنیع‌شان از خلال سال‌ها و قرن‌ها مو به تن‌مان مالک‌الرقاب به حکومت وحشیانه‌شان ادامه دهند.



نگاهی به تاریخ معاصر حجاز ببینید که راهزنان کشف شده توسط لورنس عربستان و نوادگان‌شان تا به امروز چند هزار زائر خانه خدا را کشته یا غارت کرده‌اند، چه تعداد خادمان قدیمی حرمین شریفین مکه و مدینه را از دم تیغ گذرانده‌اند، چقدر امکان متبرکه مسلمانان - و نه فقط شیعیان - را تخریب کرده و تا چه میزان جغرافیا و ساختار جمعیتی جزیره‌العرب و مناطق حاشیه‌ای آن را دچار تغییر کرده‌اند؟

وجود شر برای بنی‌بشر همان قدر بدیهی است که وجود خودش، چرا که او فطرتا در نیمه تاریک وجود خود دیوی را جسته که هر از چندگاهی سر بر می‌آورد و شری به پا می‌کند. همه بدن‌ها، هیولاهای و تازده‌های اساطیری یا خیالی از داستان‌های باستان گرفته تا فیلم‌های هالیوودی ریشه در شری دارند که زمانی در جایی در عالم واقع چهره نمایانده است. اما از میان جنایت‌ها، قتل عام‌ها، تاراج‌ها و

فرض می‌کردند. حالا او در کوتاه‌ترین زمان ممکن، دست نسخه اصلی را در نمایش شرارت بسته است. روزنامه انگلیسی ایندپندنت ۳ سال و نیم پس از ما به همان نتیجه رسیده و در تحلیل شخصیتی محمد بن‌سلمان می‌نویسد: «او پیرو سنت رهبرانی است که از خود اقدامات ماکیاولیستی نشان می‌دهند تا صاحب قدرت را در کشورشان تضمین کنند اما توفیق‌شان در امور داخلی حسی اغراق‌آمیز درباره توانایی آنها در امور خارجی حاصل می‌کند که این امر می‌تواند نتایج فاجعه‌بار داشته باشد. صدام در تصرف قدرت در عراق عملکردی مقتدر داشت اما کشورش را با آغاز ۲ جنگی که نمی‌توانست در آن پیروز شود، به تباهی کشاند».

اما صدام کجا در کمتر از ۴ سال پس از پا گذاشتن به عرصه قدرت، بسا نابود کردن حیثیت خود و کامکیت کشورش تبدیل به منفی‌ترین سوز رسانه‌های کل عالم شده بود؟ آن هم بدون برخورداری از حداقل اقتدار ممکن در سیاستمداری، مملکت‌داری و نظامی‌گری و فقط با تکیه به حمایت‌های غرب و جوسازی‌های موهمانه با مضمون اصلاحات که هیچ رنگی از حقیقت نمی‌یابد و خروجی‌اش می‌شود دستگیری و حبس و شکنجه و اخذی فله‌ای از شاهزادگان، مقامات کشوری و لشکری، کارآفرینان و سرمایه‌داران، منتقدان و کشتگران اجتماعی و سیاسی و حتی نخست‌وزیر یک کشور دیگر! البته ربون و قتل چندین شاهزاده ناراضی تا پیش از رو آمدن پرونده خاشقچی نژاد بخت.

حال نزدیک به ۲ ماه است که ما هر روز با ابعاد تازه‌تری از جنایت‌اسارت، شکنجه، قتل، مثله‌کردن، جابه‌جایی و معدوم‌سازی بقایای جسد روزنامه‌نگار تبعیدی عربستانی شوکه می‌شویم. بدیهی است که اردوغان و قطب ضد ترامپ در غرب در جهت مطامع خود در تبدیل این اتفاق به یک رسوایی تمام‌عیار برای بن‌سلمان نقش مهمی بازی کرده‌اند اما تازه وقتی جزئیات غائله روشن شد، با این پرسش مواجه شدیم که چرا تیم ترور در عملیاتی که قاعدتا باید مخفی می‌ماند، اینقدر بی‌پروا عمل کرده و این همه سرنخ به جا گذاشته است؟ پیشنهاد می‌کنم یک بار هم که شده فیلم پربازدید تئاتر خیابانی جانی بن‌سلمان را به نمایش نگذاشته‌اند، بلکه نقطه ضعف شخصیتی دیگرش یعنی عقده خودنمایی را هم به ما نشان می‌دهند. همان احساس حقارتی که او در نخستین مصاحبه مطبوعاتی مفصلش با اکونومیست بدان اعتراف می‌کند و خطاب به روزنامه‌نگار انگلیسی آن را نشأت گرفته از سربوه‌های مادر سختگیرش می‌داند و بلافاصله خود را به شکل خودنمایی افراطی روی جلد همان شماره اکونومیست نشان می‌دهد؛ لبخندی بشدت

تصنعی و ابلهانه در میان کاخی زرین که همه متفق‌قولوند که انگلیسی‌های مکار با انتشار آن قصد تحقیرش را داشته‌اند؛ همه جز خودش که شیفته خودنمایی است. این عقده‌گشایی را تقریباً در تمام فریم‌های دید و باز دیده‌های بن‌سلمان کت و شلواری در تور آمریکا شاهد بودیم. امروز می‌دانیم که ولیعهد ناگهانی ولیعهد قبلی، (محمد بن‌نایف) و البته حبیب خانگی مادرش «فهد بنت فلاح بن‌سلطان» به نشانه انتقام از همه آن سختگیری‌های دور کودکی، راهی تور طولانی مدت دور آمریکا شد تا بلکه همه عقده‌های گذشته را به فراموشی بسپارد.

او می‌خواست زستی از یک شاه عربی مدرن از خود به نمایش بگذارد اما در عوض همان احساس حقارت همیشگی‌اش همچنان در سفر پرتگه دنیا همراهی‌اش می‌کرد و باعث شده بود در نظر افکار عمومی یک هوادار مشتاق سلفی گرفتن با مدیر فیسبوک، بزرگان سیلیکون‌ولی و چهره‌های هالیوودی جلوه کند.

اینجاست که متوجه می‌شویم چرا مجنونی تشنه خودنمایی مثل بن‌سلمان به یک قربانی مهم نظیر جمال خاشقچی نیاز داشت؟ شخصیتی که نه تنها همیشه جلوی انظار عمومی بود، بلکه از جهات مختلف جایگاهی بسیار حساس داشت. او هم عضوی رسمی از خاندان حاکم بر عربستان محسوب می‌شد، هم نماد حلقه کوچک روشنفکران منتقد رژیم سعودی بود، هم مغز متفکر جریان نوین و استحاله شده اخوان‌المسلمین مورد حمایت مشترک اردوغان و نواس‌تعمارگران انگلوساکسون به شمار می‌آمد، هم رابط سیاسی پشت‌پرده آنسکار، لندن و واشنگتن با ریاض بود، هم تبعه آمریکا و هم روزنامه‌نگار و نویسنده روزنامه مهمی مثل واشنگتن پست. حتی اگر سرنوشت محتوم این منتقد رژیم جلا سعودی را همانند چندین شاهزاده و وابسته دیگر که در روز روشن جلوی چشم سرویس‌های اطلاعاتی اروپایی و آمریکایی و دیده‌بان‌های حقوق بشر روده و بدون کوچک‌ترین توضیحی غیب شدند بپذیریم، باز هم این سوال به ذهن خطور می‌کند که چرا سر او را اینقدر نمایشی بریند؟

چرا ناگهان یک تیم ترور عریض و طویل ۱۷ نفره متشکل از کلیدی‌ترین نیروهای امنیتی سعودی و نزدیکان و مشاوران بن‌سلمان از ریاض و ابوظبی رهسپار استانبول می‌شوند تا در ساختمان کنسولگری‌شان که به طور قطع تحت سنگین‌ترین شوندها و کنترل‌های سرویس‌های امنیتی بین‌المللی است، تمام جزئیات یک سناریوی جنایی هالیوودی را با وسواس تمام روی خاشقچی پیاده و ضبط کنند؟

ادامه در صفحه ۵